

توصیف و تحلیل نقوش صخره‌ای ظفرآباد بهگلان، کردستان

جمشید صمدی بگجان* و علی بنیا**

* دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهر کرد

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد ابهر، کارشناس میراث فرهنگی استان کردستان

چکیده

نقوش صخره‌ای را شاید بتوان به عنوان قدیمی‌ترین جلوه هنری جامعه انسانی در نظر گرفت. سابقه این هنر را بیش از سی هزار سال تخمین زده‌اند و در ایران نیز سابقه طولانی دارد. دشت میان‌کوهی دهگلان واقع در میان رشته‌کوه‌های زاگرس، به لحاظ دارا بودن شرایط زیست‌محیطی مناسب در طول تاریخ، اقوام مختلفی را به سوی خود جذب کرده و از کهن‌ترین ایام بستر مناسبی را برای زیستن و تداوم حیات انسان فراهم آورده است؛ وجود آثار باستانی بسیار از جمله سنگ‌نگاره صخره‌ای ظفرآباد و تپه‌های باستانی مربوط به ادوار مختلف تاریخی و پیش‌ازتاریخ گواهی بر این مدعاست. هرچند به طور کلی تعیین قدمت نقوش صخره‌ای کاری دشوار به نظر می‌رسد، اما نحوه ترسیم نقوش صخره‌ای ظفرآباد و حیوانات منقوش در آن، مجموعه این نقوش را به نقوش صخره‌ای پیش‌ازتاریخ شبیه می‌نماید؛ لیکن وجود آثار سفالی دوران تاریخی به خصوص دوره اشکانی در کنار این اثر، نسبت دادن آن را به دوران پیش‌ازتاریخ دچار شک و تردید نموده است. این گزارش به شرح و بررسی نقوش مذکور بر مبنای بازدید میدانی می‌پردازد و هدف از آن معرفی اثری است که شاید به دلیل دور از دسترس بودن کم‌تر شناخته شده است. این نقوش صخره‌ای در روستای ظفرآباد در قسمت جنوب شرقی استان کردستان و شمال شرقی شهرستان دهگلان، در دامنه جنوب غربی کوهی موسوم به کوه شیدا واقع شده است. در این صخره نگاره می‌توان صحنه شکار حیواناتی چون بز کوهی و گوزن را به وسیله افرادی سوار بر اسب مشاهده نمود.

واژگان کلیدی: ظفرآباد، نقوش صخره‌ای، صحنه شکار، نقوش انسانی، دوران تاریخی.

درآمد

(پتروگلیف)^۳ می‌گویند. در میان نقوش و غارنگاره‌های پیش‌ازتاریخی، رنگین‌نگاره‌ها بیش‌ترین فراوانی را داشته و قدیمی‌ترین نمونه‌ها را شامل می‌شوند. رنگ‌های بکار رفته در این نقاشی‌های به نسبت واقع‌گرایانه، طیفی از رنگ‌های سیاه، قهوه‌ای، قرمز، زرد و سفید را شامل می‌شود که از اکسیدهای معدنی، ذغال چوب، گل اخرا، چربی‌های حیوانی، سنگ‌ها و گل رس تهیه می‌شدند (کریمی، ۱۳۸۰: ۳۵). نقوش صخره‌ای از

در یک نگاه کلی به هر نقش و نگارشی بر روی سنگ، سنگ‌نگاره یا هنر صخره‌ای^۱ می‌گویند. اگر این نقوش یا نوشته‌ها، بر روی سنگ با رنگ یا امثال آن باشد به آن‌ها رنگین‌نگاره (پیکتوگراف)^۲ و اگر از طریق کنده‌کاری (حکاکی) بر روی سنگ‌ها انجام شده باشد به آن‌ها کنده‌نگاره

Email Address: jamshidsss.bag@gmail.com
alibehnia74@yahoo.com

1- Rock Art
2- Pictographs

3- Petroglyph

جایگاه ویژه‌ای در مطالعات و پژوهش‌های مختلف بالخصوص باستان‌شناسی و مردم‌شناسی برخوردارند. به تعبیری بستر به وجود آمدن حروف رمزی، خط، تبادل پیام، زبان، تاریخ، اسطوره‌ها، هنر و فرهنگ از سنگ‌نگاره‌هاست و آن‌ها از بهترین ابزارهای رمزگشایی ماقبل تاریخ هستند. تعداد بی‌شماری نقوش صخره‌ای در اقصی نقاط دنیا برجای مانده که بخشی جدایی‌ناپذیر از تاریخ هنر انسان محسوب می‌شوند و نسل اندر نسل ادامه پیدا کرده و در روند رشد و تعالی فکری و هنری جوامع مختلف انسانی مؤثر بوده‌اند، چرا که فعالیت هنر بر این اساس استوار است که انسان از راه اندیشیدن یا دیدن می‌تواند احساسات و تجربیات انسان‌های دیگر را فراگرفته و خود نیز آن را تجربه کند (تولستوی، ۱۳۵۶: ۵۵). نقوش صخره‌ای نیز بخشی از آثار هنری هستند که انسان برای اثبات وجود خود به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه از آن استفاده می‌کند. هنر صخره‌ای یا هنر پیش‌ازتاریخی که در تمام نقاط جهان یافت می‌شود، گنجینه‌ای از اطلاعات ارزشمند درباره روند رشد فکری بشر است (بدناریک، ۱۳۷۷: ۴). این هنر شامل حکاکی، طراحی و نقاشی‌هایی است که بر سطوح مختلف، بسته به منطقه و در تطابق با ویژگی‌های زمین‌شناسی‌شان، قرار دارند (ویالو، ۱۳۷۷: ۱۷). هرچند اغلب محققان، نقوش صخره‌ای را به دوران پیش‌ازتاریخ نسبت می‌دهند، اما مطالعات اخیر نشان می‌دهد که ممکن است بسیاری از آن‌ها به ادوار تاریخی و حتی دوره‌های متأخر تعلق داشته باشند (وحدتی، ۱۳۸۹: ۱۰). نقاشی صخره‌ای به عنوان زبان تصویری جوامع گذشته می‌تواند بیانگر عقاید، نحوه زندگی، معیشت و ساختار طبیعی آن جوامع باشد. این هنر، هنریست پویا که امروزه نیز ادامه دارد. برخی از نقوش ایجاد شده در این هنر حاکی از وقوع رخداد‌های واقعی و برخی دیگر کاملاً تجربیدی و انتزاعی هستند؛ از معمول‌ترین موضوعات این هنر می‌توان به صحنه شکار حیواناتی چون بز کوهی و گوزن، نبرد و بعضاً مراسم آئینی اشاره کرد که نمونه‌های آن‌ها در نقاط مختلف ایران به دست آمده است.

پیشینه تحقیق

مدت‌ها تصور بر آن بود که نقاشی‌های صخره‌ای در ایران به

روش پژوهش

پس از شناسایی محوطه به کمک افراد محلی، در مرحله عملی پژوهش ابتدا به عکس‌برداری و طراحی نقش در اندازه طبیعی با استفاده از وسایل کپی‌برداری (سلفون، نایلون و مازیک) پرداخته شد و سپس به توصیف منطقه و مشخص نمودن ارتفاع آن از سطح دریا مبادرت شد و در مرحله آخر نیز تهیه عکس‌های هوایی از این محوطه به وسیله سایت اینترنتی google earth صورت گرفته و بعد از آن در مرحله تئوری پژوهش توصیف و مقایسه نقش موجود در این سنگ‌نگاره با برخی دیگر از نقش صخره‌ای به دست آمده از ایران انجام شده است.

یافته‌ها

موقعیت جغرافیایی روستای ظفرآباد و نقش صخره‌ای

روستای ظفرآباد با قرار گرفتن در مدار ۳۵ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۳۰ دقیقه طول شرقی، در استان کردستان (شکل ۱) و در ۲۵ کیلومتری شمال شرق شهرستان دهگلان^۱ بر سر راه آسفالت روستایی بگه‌جان به تیلکوه و در دامنه غربی کوه شیدا (شکل ۲) که یک تفرجگاه عمومی محسوب می‌شود، واقع شده است. بر بالای این کوه مقبره‌ای موسوم به امام‌زاده شیدا قرار دارد که بر اساس متون تاریخی محل دفن یکی از والیان کردستان و هم‌عصر نادرشاه افشار بوده که سبجان‌وردیخان نام داشته است (سنندجی، ۱۳۶۶: ۱۴۶). این کوه با ارتفاع حدود ۲۲۳۲ متر از سطح دریا دارای پوشش گیاهی بادام وحشی و گیاهان مرتعی و دارای دره‌های عمیق و آب‌راه‌های بزرگ است که در کنار یکی از آن‌ها و در دامنه جنوب غربی این کوه بر روی صخره‌ای تقریباً قهوه‌ای رنگ، به ارتفاع حدود سه متر (شکل ۳)، نقوشی که دارای دو صحنه بوده و در دو سوی شکاف این صخره کشیده شده‌اند، مشاهده می‌شود؛ یکی از این صحنه‌ها مربوط به شکار و دیگری مردی را سوار بر اسب به صورت منفرد نشان می‌دهد.

مشخصات و ویژگی‌های عمومی نگاره

این صخره‌نگاره در دامنه جنوب غربی کوه شیدا و در جوار صخره‌های متعدد دیگری قرار گرفته است، که هیچ کدام به بزرگی این صخره نیستند؛ نمای عمومی این صخره به گونه‌ایست که از دور جلب توجه می‌نماید. در کنار این صخره‌ها آب‌راهه و چشمه‌ای خشکیده قرار گرفته که به احتمال فراوان عامل مؤثری در شکل‌گیری استقرارهای گذشته این ناحیه بوده است. در جانب غرب و جنوب غربی این صخره‌نگاره و با فاصله‌ای حدود ۱۰۰ متری از آن، تپه‌های مرتفعی مشهود است که بر سطح و اطراف آن‌ها می‌توان قطعات کوچکی از سفال که بی‌شباهت به سفال‌های دوره اشکانی و ساسانی نیستند را یافت.

تکنیک ایجاد نقش در این صخره‌نگاره به صورت کوبشی است یعنی با استفاده از سنگ یا ابزار دیگری بر صخره موجود ضربه وارد کرده و نقش مورد نظر خود را ایجاد کرده‌اند، البته چون جنس سنگ سخت بوده و احتمالاً جنس وسیله‌ای که با آن ضربه را وارد نموده‌اند چندان سخت نبوده، نقوش به صورت ایجاد خراش در سطح صخره نمایان شده است و هیچ اثری از کنده‌کاری یا حکاکی در صخره دیده نمی‌شود. در گذر ایام، تأثیرات جوی (خصوصاً باران و برف) و همچنین ناآگاهی ساکنان منطقه از اهمیت این نقوش و وارد آوردن صدماتی به این صخره، قسمت‌های زیادی از آن‌ها نابود شده است؛ از آن جمله می‌توان به نقش ماهی و بز کوهی اشاره کرد که به گفته اهالی در روزگاری نه چندان دور در این صخره‌نگاره وجود داشته اما امروزه اثر چندان از آن دو پیدا نیست. همچنین مکان اصابت گلوله‌ای به مرکز نقوش گوزن‌ها دیده می‌شود که توسط یکی از ساکنین منطقه و از روی ناآگاهی انجام شده و باعث مخدوش شدن بخش زیادی از این نقوش گشته است. این نقوش بر صخره‌ای به ارتفاع حدود سه متر و در قسمت وسط و پایین آن نقش شده‌اند. ابعاد نقوش از ۱۰ تا ۲۳ سانتی‌متر متفاوت است که در شرح هر یک از نقوش به آن‌ها اشاره خواهیم نمود. به گفته افراد محلی^۲ در نزدیکی این نقوش، در جانب شرقی کوه شیدا در ایام گذشته غاری وجود داشته است که امروزه دهانه آن

۱- شهرستان دهگلان دارای چهار بخش مرکزی با مرکزیت دهگلان، نیلاق جنوبی به مرکزیت بلبان‌آباد، نیلاق شمالی به مرکزیت بلدستی و قوری‌چای به مرکزیت دهستان قوری‌چای است. صخره‌نگاره مذکور در بخش نیلاق شمالی و در روستای ظفرآباد واقع شده است.

۲- محمدامین اصلانی از اعضای شورای اسلامی روستای ظفرآباد

انسان‌ها و گله‌های گاو پرستیده می‌شد و با خدای حاصل‌خیزی سومری به نام تموز و نین‌گیرسو یکسان به شمار می‌آمد. در اساطیر هندو به عنوان یک حیوان ویژه قربانی، مرکب خدای آگنی بود و در اساطیر یونانی باری زئوس / ژوپیتر مقدس محسوب می‌شد و به طور کلی نماد نیروی جنسی نر به شمار می‌آمد (کریمی، ۱۳۸۶: ۳۱). به احتمال زیاد این بز نیز یکی از اهداف شکارچیان حاضر در صحنه بوده است. نقش این بز امروزه به صورت کامل از میان رفته و اثری از آن دیده نمی‌شود؛ اما با توجه به توصیفات یاد شده این نقش را می‌توان با نقش بز در نقوش صخره‌ای روستای بندول مرنخس (قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۵، شکل شماره ۱۲؛ قسیمی ۱۳۸۵، Ghasimi 2007)، محوطه چلمبر (ملاصالحی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۸، تصویر ۴)، نقش کنده‌نگاره‌های کوه لره (پوربخشنده، ۱۳۸۶: ۴۸، تصویر ۱۲)، کنده‌نگاره‌های گلی باغک روستای خوشاب، در ۱۷۲ کیلومتری غرب شیراز (فاضل، ۹۰-۱۳۸۹: ۷۶، تصویر ۱۱) و نقش بز در سنگ نگاره کل‌فر در شهرستان قروه (لحافیان، ۹۰-۱۳۸۹: ۸۳، تصویر ۸) مقایسه نمود.

گوزن (Stag)

در این نگاره نقش دو گوزن نر مشاهده می‌شود که هر دو در قسمت بالایی صحنه نقش شده‌اند و امروزه نیز به صورت تقریباً سالم بر جای مانده‌اند. این حیوان تقریباً به صورت طبیعی نقش شده و از روی شاخ‌های بلند و شاخه‌شاخه آن قابل تشخیص است. گوزن‌ها به صورت نیم‌رخ ایستاده و به روبرو می‌نگرند، شاخ‌هایشان بسیار بلند است. پشت سر این حیوان سه اسب‌سوار نقش شده‌اند که احتمالاً در پی شکار حیوان هستند و در قسمت پایینی آن‌ها یک بز منقوش بوده که اثری از آن بر جای نمانده است. یکی از این گوزن‌ها کوچک‌تر و دارای ابعاد 18×10 سانتی‌متر و دیگری اندکی بزرگ‌تر و دارای ابعاد 23×10 سانتی‌متر است.

به طور کلی، از لحاظ نمادشناسی گوزن نر نشانه خورشید و تجدید حیات است و شاخ‌های آن که در بهار رشد می‌کند و در پائیز می‌افتد، نماد مرگ و تولد دوباره محسوب می‌شود (شفرد، ۱۳۹۳: ۱۸۹). در مجموع نقوش موجود در این سنگ‌نگاره از

به وسیله گل و لای و سنگ‌های ریخته شده از کوه مسدود شده و ورود به داخل آن غیر ممکن است. گفته‌های افراد محلی این فرض را در ذهن تداعی می‌کند که شاید غار مذکور در دوره‌های قدیمی‌تر مورد استفاده بوده و این نقوش نیز توسط همان افراد غارنشین در هزاره‌های پیش از میلاد و در هنگام شکار نقش شده باشد، اما اثبات این فرضیه محتاج در اختیار داشتن داده‌های پیش‌تری مربوط به دوران مذکور در این منطقه است، که این امر خود مستلزم پژوهش‌های گسترده باستان‌شناختی است. همچنین در چند صد متری این نقوش و در داخل روستای ظفرآباد نیز آثار مستندی مربوط به دوره سلوکی و اشکانی به دست آمده است که می‌تواند فرض دیگری را مبتنی بر اینکه این نقوش در دوره‌های مذکور ایجاد شده‌اند در ذهن تقویت نماید. هرچند تحلیل و نمادشناسی تا حدودی می‌تواند ما را به منشاء و انگیزه‌های ایجاد این نقوش نزدیک نماید، اما به هر حال تعیین قدمت این نوع آثار کار بسیار دشواری بوده و نیازمند انجام آزمایشات علمی و بررسی‌های پیش‌تر است.

توصیف و تفسیر نقوش صخره‌ای ظفرآباد (شکل‌های ۴ و ۵) بز (Goat)

با توجه به اسناد و مدارک موجود و بررسی‌های انجام شده می‌دانیم که نقش بز کوهی تقریباً در تمامی مراکز فرهنگی دوران پیش‌ازتاریخ (اغلب سنگ‌نگاره‌ها) حضور مستمر داشته است. در واقع در این دوران هر یک از اقوام باستانی بز را مظهر یکی از عوامل سود بخش طبیعت قلمداد می‌کرده‌اند (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۲۷). بز نقش شده در این سنگ‌نگاره در ابعاد 10×10 سانتی‌متر، در نیمه بالایی سنگ‌نگاره و در پایین نقش دو گوزن و در سمت چپ آن‌ها قرار دارد. اندازه این نقش کوچک‌تر از سایر نقش‌های موجود در سنگ‌نگاره است. این نقش نیز مانند سایر نقوش موجود به وسیله خط‌های باریکی ایجاد شده، دارای دو شاخ کوتاه برگشته به عقب بوده و دم‌ی کوتاه و رو به بالا دارد (گفتگوی شخصی با محمدامین اصلانی، ۱۳۹۳)؛ امروزه فقط آثاری از نقش پاهای این حیوان در این سنگ‌نگاره قابل مشاهده است. بز روزگاری به عنوان تجسم

به طور کلی نقش اسب از جمله نقوش پر کاربرد در سنگ‌نگاره‌ها است و تصاویر مربوط به نقوش اسب و سوار نمی‌تواند قدیمی‌تر از هزاره اول پ.م باشد (Lahafian, 2004: 3-10). این نقش قابل مقایسه با نقش اسب و سوار در قلعه ارجق استان اردبیل (هورشید، ۱۳۸۶: ۸۴، شکل ۷) و همچنین در نقوش کنده سنگستون در فلات مرکزی است (محمدی قصریان، ۱۳۸۶: ۸۷، شکل ۳).

لحاظ کیفی دارای کیفیت پایینی بوده و اجزای تشکیل دهنده سر و صورت مانند چشم، گوش، دهان و غیره در حیوانات و انسان‌ها قابل تشخیص نیست. این نقش قابل مقایسه با نقش گوزن در نگاره‌صخره‌ای اوجی امام و شادمانه در استان همدان (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۲، تصاویر ۳ و ۴) و نقش گوزن در قلعه ارجق استان اردبیل (هورشید، ۱۳۸۶: ۸۳، تصویر ۴) است.

اسب (Horse)

این حیوان بیش‌ترین سهم از نقوش نگاره مذکور را به خود اختصاص داده است. در این سنگ‌نگاره چهار نقش اسب وجود دارد که سه رأس آن در قسمت بالا و در کنار نقوش بز کوهی و گوزن‌ها نقش شده‌اند و یک رأس آن نیز در قسمت پائینی در کنار نقش ماهی که امروزه اثری از آن نیست قرار گرفته است. قسمت بالایی و پایینی این نقوش به وسیله شکاف طبیعی صخره که به احتمال زیاد در ایام گذشته نیز به همین شکل بوده است، از هم جدا شده‌اند. ابعاد این نقش به ترتیب از بالا به پایین ۱۰ × ۱۰، ۱۰ × ۱۵، ۱۲ × ۱۵ و ۱۰ × ۱۵ سانتی‌متر است که اولین نقش از بالا از دیگر نقوش پرکارتر بوده و با دقت بیش‌تری نقش شده به صورتی که گوش‌های حیوان از سایر اجزای بدن او قابل تشخیص است، در حالی که نقوش دیگر اینگونه نیستند. نقش این حیوان در این سنگ‌نگاره به صورت منفرد نقش نشده است، بلکه همراه با سواری که احتمالاً یک شکارچی است، آمده. نقش دوم و سوم از بالا، به علت ضربه ناشی از تیراندازی با تفنگ به این نقوش آسیب زیادی دیده و سر حیوان کاملاً از بین رفته است. نقش سومی کم‌کارترین نقش در این مجموعه بوده و احتمالاً همانگونه که امروزه دیده می‌شود، به صورت تکمیل نشده رها شده است، به گونه‌ای که تصویر اسب دارای وضوح نبوده و احساس می‌شود سواری هم در این نقش کشیده نشده است یا اگر هم کشیده شده امروزه اثری از آن به چشم نمی‌خورد. در قسمت پایین صخره نیز تصویر اسبی همراه با سواری مشاهده می‌شود که به همان شیوه نقوش بالایی اما کمی واضح‌تر (پررنگ‌تر) نقش شده است. در قسمت بالا و در پشت سر نقوش اسب‌ها قسمتی از صخره فرسایش یافته است که به احتمال فراوان بر روی آن قسمت نیز نقشی موجود بوده است.

ماهی (Fish)

امروزه در این سنگ‌نگاره اثری از این نقش نیست ولی بر اساس اظهارات افراد محلی، نقش یک ماهی در قسمت پایین نقوش، همراه با نقش سوار چهارم (تک‌سوار) و در سمت چپ آن وجود داشته که از همه نقوش این سنگ‌نگاره بزرگ‌تر و دارای ابعاد ۲۲ × ۲۵ سانتی‌متر بوده است (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۰۰؛ گفتگوی شخصی با محمدامین اصلانی، ۱۳۹۳). بزرگی ابعاد این نقش، شاید بیان‌کننده وجود ماهی‌های عظیم‌الجثه در رودخانه‌های خشک‌شده این منطقه و یا اشاره‌ای نمادین به تأثیر بالای این موجود در رژیم غذای افراد ساکن در این منطقه در گذشته باشد.

نقوش انسانی

نقوش انسانی در این صخره‌نگاره بعد از نقش اسب بیش‌ترین تعداد را به خود اختصاص داده است اما هیچکدام به صورت منفرد نقش نشده‌اند؛ بلکه سوار بر اسب‌ها و به دنبال حیوانات ذکر شده، آمده‌اند. نقوش انسانی به صورت خطوط مستقیمی که سر آن‌ها کمی بزرگ‌تر از بدن نقش شده، دیده می‌شوند. در دو نقش انسانی قسمت بالایی صخره‌نگاره که تا حدودی واضح هستند دست‌ها جدا از بدن بوده و دست چپ از آرنج به سمت جلو (در بالاترین نقش) و بالا (در دومین نقش) خم شده‌اند و اینگونه حسی را القا می‌کنند که یا در حال پرتاب چیزی به سمت گوزن‌ها هستند یا اینکه افسار اسب خود را نگه داشته‌اند. در نقش اسب‌سوار پایینی نیز دست‌ها به صورت جدا از بدن نقش شده و اسب سوار دست راست خود را به طرف گردن اسب دراز نموده و دست چپش را از آرنج به سمت بالا خم

لحاظ نحوه ترسیم، با نقوش صخره‌ای موجود در شهرستان بوئین زهرا (قلیچ‌کنندی، چلمبر و یازلی) در ۵۵ کیلومتری قزوین (ملاصالحی و دیگران، ۱۳۸۶) و نقوش به دست آمده از کل فر شهرستان قروه در استان کردستان (لحافیان، ۹۰-۱۳۸۹) مقایسه نمود. از لحاظ صحنه ایجاد شده یعنی شکار حیواناتی مانند گوزن و بز کوهی، می‌توان آن را با نقوش صخره‌ای به دست آمده از کوه گره شهرستان فراهان استان مرکزی (پوربخشنده، ۱۳۸۶) و برخی نقوش صخره‌ای به دست آمده از اورامان استان کردستان (قسیمی، ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۶؛ Ghasimi, 2007) مقایسه کرد. در اکثر این نقوش نیز مانند نقوش به دست آمده از ظفرآباد، نقش‌ها از به هم پیوستن چند خط باریک و معمولاً به صورت کوبشی (به جز کوه گره که برای ایجاد نقش سطح صخره حکاکی شده است) ایجاد شده‌اند و در بیش‌تر آن‌ها نیز نقش بز کوهی و انسان در حال شکار عمومیت دارد.

بحث و برآیند

مهم‌ترین مشکل در مطالعات نقوش صخره‌ای در ایران مسأله گاهنگاری مطلق آثار هنر صخره‌ای است و این عامل باعث شده تا توالی صحیحی از گاهنگاری نقوش صخره‌ای وجود نداشته باشد. هر چند اساساً تعیین قدمت نقوش صخره‌ای کاری بس دشوار بوده و با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست، اما در مورد سنگ‌نگاره مورد بحث، با در نظر گرفتن مدارک و شواهد باستان‌شناختی تلاش می‌شود تا به یک تاریخ نسبی دست یافت که در این قسمت به ذکر برخی از این مدارک و شواهد خواهیم پرداخت. از مهم‌ترین آثار و شواهد باستان‌شناختی در این ناحیه که امکان مرتبط بودن آن با نقوش صخره‌ای مورد بحث دور از ذهن نیست؛ می‌توان به مجسمه‌های مفرغی به دست آمده از ظفرآباد به مربوط به دوره اشکانیان که به سبک سلوکی ساخته شده و هم‌اکنون در موزه سنندج قرار دارند (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۱۷) و همچنین قطعات پراکنده‌ای از سفال‌های مربوط به این دوران اشاره نمود که نشان‌دهنده وجود یک مرکز عمده جمعیتی در این ناحیه بوده و این فرض را به ذهن متبادر می‌سازند که احتمالاً این نقوش توسط افراد ساکن در این محوطه و در دوره اشکانی و به هنگام شکار و با نقش‌مایه‌هایی از

نموده است. در هیچکدام از این نقوش وسایل شکار مانند تیر و کمان، نیزه و غیره دیده نمی‌شود که برای این امر می‌توان دلایل احتمالی متفاوتی ذکر نمود از جمله عدم دقت در ایجاد نقوش، فرسایش‌های بعدی و از بین رفتن ابزارهای نقش شده، انجام شکار به شیوه‌ای مخصوص که نیاز به وسایل ذکر شده نداشته باشد مثلاً حرکت دادن حیوانات به محلی خاص و یا اینکه نقاشان این سنگ‌نگاره هدف دیگری غیر از بیان صحنه شکار برای ایجاد نقوش داشته‌اند که درک آن برای ما ناممکن است. ابعاد نقوش انسانی در این سنگ‌نگاره متفاوت و هر فرد به تناسب اسبی که بر روی آن نشسته و نقشی که ایجاد شده دارای قدی بلندتر یا کوتاه‌تر است. در بالاترین نقش قد اسب‌سوار حدود ۷ سانتی‌متر و در دو نقش بعدی که وضوح بیشتری دارند قد اسب‌سوار به حدود ۱۰ سانتی‌متر می‌رسد. نقوش انسانی موجود در این سنگ‌نگاره قابل مقایسه با نقوش انسانی موجود در صخره‌نگاره کوه لره فراهان اراک (پوربخشنده، ۱۳۸۶: ۴۸، تصویر ۱۲) و قلعه ارجق استان اردبیل (هورشید، ۱۳۸۶: ۸۴، تصویر ۸) هستند.

وجود شکارگاه و پوشش گیاهی مناسب در این منطقه را برخی مورخان محلی در حدود یکصد و پنجاه سال پیش نیز تأیید می‌کنند (سنندجی، ۱۳۶۶: ۱۴۴). به طور کلی اینگونه به نظر می‌رسد که این سنگ‌نگاره نشان دهنده یک صحنه شکار باشد و در آن سه اسب سوار در پی شکار دو گوزن و یک بز کوهی بوده و این امر بیان‌گر وجود چراگاه حیواناتی چون گوزن و بز کوهی و شکارگاهی مناسب در گذشته بوده است، حیواناتی که امروزه در این منطقه وجود خارجی ندارند. همچنین وجود نقش ماهی در این سنگ‌نگاره به احتمال فراوان و بر اساس تأیید افراد محلی، به وجود رودخانه‌ای پر آب در روزگاران گذشته این منطقه اشاره دارد و نشان می‌دهد که ماهی هم به عنوان یکی از اقلام غذایی مورد استفاده مردم آن دوران در این منطقه قرار داشته است. همه نقوش موجود در این سنگ‌نگاره رو به سمت غرب دارند که شاید این امر در ارتباط با اندیشه‌ها و اعتقادات مردم آن دوره بوده باشد و یا شاید اجبار صخره‌ها (نبود صخره مناسب‌تر برای ایجاد نقش) روی آن‌ها را به جانب غرب متمایل نموده است. این نقوش را می‌توان از

منابع

الف) فارسی

بختیاری شهری، محمود، ۱۳۸۸، «بررسی سنگ‌نگاره‌های نویافته دشت توس»، *مطالعات باستان‌شناسی*، شماره ۱، صص ۴۴-۲۱.

بدناریک، رابرت جی، ۱۳۷۷، «نخستین جنبش‌های آفرینش»، ترجمه علی مستشاری، *مجله پیام یونسکو*، سال بیست و نهم، شماره ۳۳۵، صص ۹-۴.

پوربخشنده، خسرو، ۱۳۸۶، «نگاهی به نقوش صخره‌ای فراهان (اراک)»، *باستان‌پژوهی*، سال دوم، شماره سوم، صص ۴۹-۴۶.

تولستوی، لئون، ۱۳۵۶، *هنر چیست*، ترجمه کاوه دهقان، تهران: انتشارات امیرکبیر.

زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۹۲، *آثار فرهنگی، باستانی و تاریخی استان کردستان*، همدان: انتشارات سبحان نور.

سندجی، میرزاشکرالله (فخرالکتاب)، ۱۳۶۶، *تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان*، تصحیح دکتر حشمت‌الله طیبی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

شفر، راونا و راپرت، ۱۳۹۳، ۱۰۰۰ *نماد در هنر و اسطوره شکل به چه معناست*، ترجمه آزاده بیداریخت و نسترن لواسانی، تهران: نشر نی.

عالی، ابوالفضل، ۱۳۹۲، «هنر صخره‌ای در زنجان: بررسی نقاشی‌های صخره‌ای آق‌داش ماه‌نشان، پیام باستان‌شناس، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، سال دهم، شماره نوزدهم، صص ۱۴۹-۱۳۳.

فاضل، لیلا، ۹۰-۱۳۸۹، «تنگ تادون و تنگ تیهویی: نویافته‌هایی از هنر صخره‌ای در استان فارس»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*، سال دوم و سوم، شماره چهارم و پنجم، صص ۷۸-۶۹.

قسیمی، طاهر، ۱۳۸۵، *بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای در استان کردستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

حیواناتی که در آن دوران در این کوه‌پایه‌ها وجود داشته و شکار می‌شده‌اند؛ ترسیم شده باشد؛ البته صحت این فرضیه با توجه به گفته‌های لحافیان و بختیاری شهری در مورد نقوش اسب و بز که در متن به آن‌ها اشاره شده و وجود این دو نقش در سنگ‌نگاره ظفرآباد و همچنین وجود قطعات سفالی هر چند اندک که از لحاظ ظاهری بسیار قدیمی‌تر از دوران تاریخی می‌نمایند و در تپه‌های حاشیه نقوش می‌توان آن‌ها را مشاهده نمود؛ مورد تردید قرار گرفته و ارتباط این سنگ‌نگاره را با دوران پیش‌ازتاریخ نیز محتمل می‌سازد و وجود آثار دوران تاریخی در کنار این آثار می‌تواند نشانگر تداوم زندگی از دوران پیش‌ازتاریخ تا دوران تاریخی در این مکان باشد. از یک دیدگاه می‌توان نقوش مذکور را ترسیمی واقعی از موجودات نقش شده دانست که در این صورت ابعاد ترسیم‌شده برای نقش ماهی در مقابل دیگر نقوش، غیرواقعی و بسیار بزرگ به نظر می‌رسد (البته اگر نقش مذکور تجسم واقعی یک ماهی بسیار بزرگ باشد و نه اشاره‌ای نمادین به درجه اهمیت آن در معیشت افراد ساکن در منطقه)؛ این در حالی است که از رودخانه احتمالی موجود در نزدیکی نقوش صخره‌ای که قابلیت پرورش ماهی‌هایی با این اندازه را داشته باشد، خبری در دست نیست و شاید هم با کم شدن بارش‌ها و خشک‌تر شدن اقلیم منطقه، رودخانه احتمالی نیز رو به خشکی نهاده باشد. البته این احتمال نیز وجود دارد که هدف از ارائه نقش ماهی اشاره به یک آیین خاص یا یک نماد باشد که ما از آن اطلاعی نداریم یا اینکه منشاء این نقش در رودخانه‌های نزدیک به این نقوش مانند رودخانه فرهادآباد بوده باشد که چند کیلومتر دورتر از این نقوش واقع شده و امروزه نیز با دبی کم‌تر جریان دارد.

سپاسگزاری

در اینجا برخود لازم می‌دانیم که از آقای محمدامین اصلانی عضو شورای محترم روستای ظفرآباد، برای راهنمایی در یافتن محل نقوش و همچنین استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محمود حیدریان به دلیل در اختیار قرار دادن منابع و راهنمایی‌های بی‌دریغشان تشکر و قدردانی نماییم؛ با آرزوی توفیق روزافزون برای این عزیزان.

پنجم، صص ۷۹-۸۸.

محمدی قصریان، سیروان، ۱۳۸۶، «معرفی نقوش کنده سنگستون»، *باستان‌پژوهی*، سال دوم، شماره سوم، صص ۸۵-۸۹.

ملاصالحی، حکمت‌الله، محمد سعیدپور، آتوسا مومنی و محمد بهرام‌زاده، ۱۳۸۶، *باستان‌شناسی صخره‌نگارهای جنوب کوهستانی استان قزوین، باستان‌پژوهی*، سال دوم، شماره سوم، صص ۳۵-۴۵.

وحدتی، علی‌اکبر، ۱۳۸۹، *بوم‌های سنگی: گزارشی بررسی دو مجموعه هنر صخره‌ای در استان خراسان شمالی (جربت و نرگس‌لوی علیا)*، *خراسان شمالی*، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان شمالی.

ویالو، دنی، ۱۳۷۷، «تخیل پیش‌ازتاریخی»، ترجمه علی مستشاری، *مجله پیام یونسکو*، سال بیست و نهم، شماره ۳۳۵، صص ۱۷-۲۱.

هورشید، شقایق، ۱۳۸۶، «معرفی نقوش صخره‌ای شهریری (قلعه ارجق)»، *باستان‌پژوهی*، سال دوم، شماره سوم، صص ۸۱-۸۴.

Ghasimi, T., 2007, "La Gravures Rupestres d'Uraman (Iran)", *Préhistoire, art et société*, Vol. LXII, pp. 89-106, Bulletin de la Société Préhistorique Ariège-Pyrénées.

_____, Ghasimi, A. & Ghasimi, S., 2015, "The Investigation of Rock Arts at the Karaftou Cave and Its Surrounding Sites, North of Kurdistan, Iran", In: *Symbols in the Landscape: Rock*

قسیمی، طاهر، ۱۳۸۶، گزارشی بررسی نقوش صخره‌ای در اورامان، *باستان‌پژوهی*، سال دوم، شماره سوم، صص ۷۱-۸۰.

_____, و محمدی قصریان، سیروان، ۱۳۹۰، «نقوش صخره‌ای ایران»، *مجموعه مقالات ۸۰ سال باستان‌شناسی ایران*، به کوشش یوسف حسن‌زاده و سیما میری، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و موزه ملی ایران.

کریمی، فریبا، ۱۳۸۰، پژوهشی در کنده‌نگاره‌های سنگی و صخره‌ای ایران با تکیه بر نمونه‌های برگزیده "قم و میمند" شهر بابک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

_____, ۱۳۸۶، «انگرفی نو به کنده‌نگارهای صخره‌ای ایران (بررسی مطالعات میدانی)»، *باستان‌پژوهی*، سال دوم، شماره سوم، صص ۲۰-۳۴.

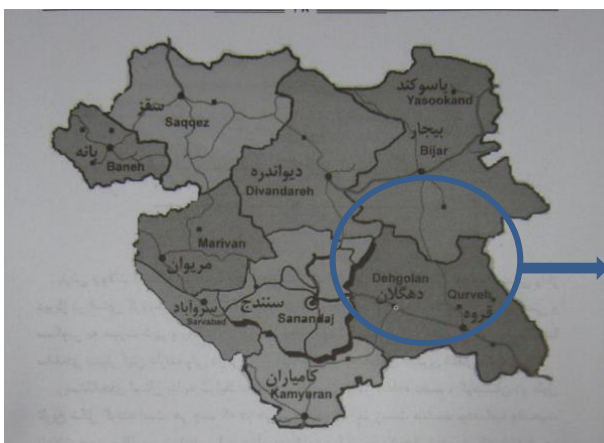
لحافیان، جمال، ۱۳۸۹-۹۰، «فجان‌نماها در هنر صخره‌ای ایران»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*، سال دوم و سوم، شماره چهارم و

(ب) غیرفارسی

Art and its Context, González, F.A., Arranz, J.J.G., Ávila, E.P., Cerrillo, E.R., & Alegre, E.S., (Eds.), XIX International Rock Art Conference IFRAO 2015, Cáceres (University of Extremadura, Spain), 31 August- 4 September.

Lahfian, J., 2004, "Petroglyphs of Kurdistan", *Rock Art Research*, Vol. 21, No. 1, pp. 3-10.

تصاویر



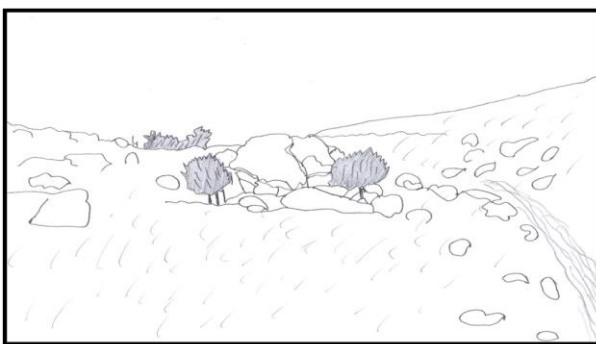
شکل ۱: نقشه شهرستان‌های استان کردستان (نقشه برگرفته از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان)



شکل ۲: نقشه هوایی روستای ظفرآباد، کوه شیدا و موقعیت قرارگیری نقوش صخره‌ای (Google Earth, 182911- 2014/04/06)



شکل ۳: نقشه هوایی از محل قرارگیری صخره نگاره و تپه‌های باستانی اطراف آن (Google Earth, 184042- 2014/04/06)



شکل ۴: تصویر و طرحی از دورنمای نقوش صخره‌ای ظفرآباد که محل قرارگیری نقوش با علامت مشخص شده است (نگارندگان).



شکل ۵: بالا) تصویر و طرح نقوش صخره‌ای ظفرآباد دهگلان: نمایش دهنده شکار گوزن و بز کوهی
پایین) تصویری از نمای نزدیک به نقوش سوارکاران و گوزن‌ها (تصاویر و طرح از نگارندگان)